رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۰۱، آبان ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(8), 2024

پیش‌بینی نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان براساس سبک‌های فرزندپروری با میانجیگری احساس ناایمنی مادران

Predicting children's separation anxiety symptoms based on parenting styles with the mediation of mothers' feeling of insecurity

فاطمه شمسی
دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
مهرانگیز شعاع کاظمی (نویسنده مسئول)
دانشیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
پریناز بنیسی
دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Fatemeh Shamsi
Ph.D Candidate in General Psychology, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Mehrangiz Shoaa Kazemi *
Associate Professor, Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.
M.shkazemi@alzahra.ac.ir
Parenaz Banisi
Associate Professor, Department of Educational Managemen, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان براساس سبک‌های فرزندپروری با میانجیگری احساس ناایمنی مادران انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان ۸-۶ ساله مراکز پیش‌دبستانی و دبستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود؛ که ۲۴۲ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای وارد مطالعه شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (PSQ؛ بامریند، ۱۹۷۳)، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان (RAAS؛ کولینز و رید، ۱۹۹۰) و فرم والد مقیاس سنجش اضطراب جدایی (SAS؛ هان و همکاران، ۲۰۰۳) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد مدل بدست آمده از برازش مطلوب برخوردار است. اثر مستقیم و مثبت سبک فرزندپروری مستبدانه بر نشانه‌های اضطراب جدایی، و اثر مستقیم و منفی سبک فرزندپروری مقتدرانه با نشانه‌های اضطراب جدایی معنادار بود (P<۰/۰۰۱). اثر مستقیم و مثبت احساس ناایمنی مادر با اضطراب جدایی کودک معنادار بود (P<۰/۰۰۱). اثر غیرمستقیم رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه با اضطراب جدایی کودک با نقش میانجی احساس ناایمنی مادر معنادار بود (P<۰/۰۰۱). بنابراین، با توجه به رابطه معنی‌دار سبک‌های فرزندپروری مادر با نشانه‌های اضطراب جدائی و همین‌طور نقش میانجی احساس ناایمنی مادر درمانگران و مشاوران می‌توانند در مسیر بهبود سبک‌های فرزندپروری و احساس ناایمنی مادر در راستای کاهش سطح اضطراب جدائی کودکان گام بردارند.

واژه‌های کلیدی: اضطراب جدایی، احساس ناایمنی مادران، سبک دلبستگی، سبک فرزندپروری.

Abstract

This study aimed to predict children's separation anxiety symptoms based on parenting styles with the mediation of mothers' feelings of insecurity. It is a descriptive-correlational study using the structural equation method. The statistical population included all 6-8 year-old children attending preschool and elementary schools in Tehran during the 2022-2023 academic year; 242 participants were selected using a multi-stage cluster sampling technique. evaluated by the Parenting Style Questionnaire (PSQ, Baumrind, 1973), the Relationship Attachment Style Scale for Adults (RAAS, Collins & Read, 1990), and the Parent Form of the Separation Anxiety Scale (SAS, Han et al., 2003). the results demonstrated that the derived model exhibited a satisfactory fit. It was found that an authoritarian parenting style had a direct positive impact on separation anxiety symptoms, while an authoritative parenting style had a direct negative impact (P<0.001). Additionally, mothers' feelings of insecurity had a direct positive effect on their children's separation anxiety (P<0.001). The indirect influence of the relationship between authoritative and authoritarian parenting styles on children's separation anxiety, mediated by maternal insecurity, was also (P<0.001). Consequently, given the significant association between maternal parenting styles and separation anxiety symptoms, as well as the mediating influence of mothers' insecurity, therapists and child counselors are encouraged to focus on enhancing parenting styles and alleviating maternal insecurity to reduce separation anxiety in children.

Keywords: *Separation Anxiety, Mothers' Feeling of Insecurity, Attachment Styles, Parenting Styles.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** شهریور ۱۴۰۳ | **پذیرش:** مهر ۴۰۳ | **ویرایش نهایی:** آبان ۱۴۰۳

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

مقدمه

طبق تحقیقات، اختلالات اضطرابی یکی از شایع‌ترین اختلالات در کودکان و نوجوانان است و شواهد زیادی وجود دارد که بیشتر بزرگسالان مبتلا به این اختلالات در دوران کودکی نیز این مشکل را داشته‌اند (گالان-لوک[1] و همکاران، ۲۰۲۳). در میان اختلالات اضطرابی، اختلال اضطراب جدایی[2] در کودکان زیر ۱۲ سال شایع‌ترین است (ویکس[3] و همکاران، ۲۰۲۳). در اوایل زندگی، مقداری اضطراب ناشی از جدایی از منابع دلبستگی از دیدگاه رشدی مناسب و از نظر تکاملی سازگار است (فریانته[4] و همکاران، ۲۰۲۳) با این حال، در ۴ درصد از کودکان، اضطراب جدایی بیش از حد تا دوران کودکی ادامه می‌یابد و باعث اختلال می‌شود (ویکس و همکاران، ۲۰۲۳). این اختلال تا ۵۰ درصد ارجاعات بالینی را به خود اختصاص می‌دهد و دارای نرخ شیوع ۴ تا ۸ درصدی است (گارون-کاریر[5] و همکاران، ۲۰۲۳). انجمن روانپزشکی آمریکا[6] (۲۰۱۳) مشخصه اصلی اختلال اضطراب جدایی را نگرانی بیش از حد از جدا شدن یا از دست دادن چهره‌های دلبستگی، امتناع از بیرون رفتن بدون اشکال دلبستگی و امتناع از خوابیدن همراه معرفی می‌کند، که علائم به روش‌های بی‌شماری از جمله پریشانی و/یا علائم جسمی پس از جدایی، نگرانی بیش از حد مبنی بر اینکه در هنگام جدایی به آنها آسیب وارد می‌کند، خودداری از تنها خوابیدن و امتناع از حضور در مدرسه، که منجر به مشکلات قابل توجهی در کودک و خانواده می‌شود (حاجی یاری و بهرام‌آبادی، ۲۰۲۲). تحقیقات نشان می‌دهند سه چهارم کودکانی که از مدرسه امتناع می‌کنند، از اختلال اضطراب جدایی رنج می‌برند و در صورت عدم درمان، دچار اضطراب مفرط ثانویه و اختلالاتی مانند فوبیای اجتماعی شوند (ویکس و همکاران، ۲۰۲۳). در تبیین اختلال اضطراب جدایی، نظریه‌های موجود بر درک رابطه متقابل عوامل والدین بویژه مادر و فرزند در زمینه عوامل استرس‌زای محیطی تأکید دارند و شواهد موجود در مورد تأثیر محیط خانواده بر اضطراب به طور کلی بر نظریه دلبستگی و تعاملات اولیه والد-کودک و همچنین بر دیدگاه وسیع‌تر و ارتباط بین رفتارهای تربیتی مداوم والدین بویژه مادر استوار است (دایموند و کیف[7]، ۲۰۲۴). بنابراین می‌توان دریافت رفتار والدین در علت‌شناسی و درمان اضطراب کودک دارای اهمیت ویژه‌ای است. این مطالعه بر سبک‌های فرزندپروری[8] و احساس ناایمنی[9] مادر تأکید دارد.

سبک‌های فرزندپروری[10] از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده نحوه تعاملات، رفتارها و افکار به شمار می‌رود؛ بیان راهبردهایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند (ویگدال و برونیک[11]، ۲۰۲۲). بامریند[12] (۱۹۹۱) با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل والدینی برای سبک فرزندپروی سه الگوی فرزندپروری مقتدرانه[13]، مستبدانه[14] و سهل‌گیرانه[15] را معرفی نمود (شنیائو[16] و همکاران، ۲۰۲۴). برخی محققان بر این باورند که سبک‌های فرزندپروری که توسط والدین اتخاذ می‌شود می‌تواند تأثیر پایداری بر رشد عاطفی، اجتماعی و شناختی فرزند داشته باشد (چینوا[17] و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات بین سبک‌های فرزندپروری پدری و مادری تفاوت قائل شدند و ارتباط‌های متفاوتی را در رابطه با جنسیت هر یک از والدین و روشی که به طور قابل توجهی به اختلالات اضطرابی کودکان کمک می‌کند نشان دادند. روابط بین کنترل پدر و مادر و اختلالات اضطرابی بر اساس جنسیت متفاوت است (اسلوبودین[18] و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات (موراتری[19] و همکاران، ۲۰۱۵؛ یون[20] و همکاران، ۲۰۱۸) نشان می‌دهند که کنترل بیش از حد مادر به طور قابل توجهی با اختلالات اضطرابی کودکان مرتبط است و یک عامل خطر مهم برای اختلالات درونی‌سازی به شمار می‌رود (الحسینی، ۲۰۲۴). نتایج پژوهش‌ها (نوشک و همکاران، ۱۴۰۲؛ شایق و همکاران، ۱۴۰۰؛ امان اله خانی قشقایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ الحسینی، ۲۰۲۴؛ کادوگلو[21] و همکاران، ۲۰۲۴؛ ماجد و جوشی[22]، ۲۰۲۴؛ جریسات[23]، ۲۰۲۳؛

1. Galán-Luque
2. separation anxiety disorder
3. Weeks
4. Feriante
5. Garon-Carrier
6. American Psychiatric Association (APA)
7. Diamond, & Keefe
8. Parenting Styles
9. feeling of insecurity
10. Parenting Styles
11. Vigdal, & Brønnick
12. Baumrind
13. Authoritative
14. Authoritarian
15. Permissive
16. Shengyao
17. Chinawa
18. Slobodin
19. Morratry
20. Eun
21. Kadoglou
22. Majeed, & Joshi
23. Jreisat

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

سانجیوان و دی‌زویسا[1]، ۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهند سبک‌های فرزندپروری بر اختلالات اضطرابی کودکان و نوجوانان از جمله اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی[2]، اضطراب منتشر[3] تأثیر معناداری دارد.

سبک‌های دلبستگی[4] از سازه‌های مطرح در نحوه رفتار مادر نسبت به کودک دارای اهمیت ویژه‌ای است، که می‌تواند کیفیت رفتارهای مراقبتی را پیش‌بینی نموده و تأثیری اساسی روی تکامل کودک و ایفای نقش مادری داشته باشد. همچنین در تنظیم هیجانات برای پاسخگویی بهینه به نیازهای کودک مؤثر است (کارایاگیز[5] و همکاران، ۲۰۲۰).

الگوی دلبستگی اولین بار توسط بالبی[6] به کار رفت و توسط آینسورث[7] بهره‌برداری شد. این الگو توسط هازن و شیور[8] در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن[9]، دوسوگرا[10] و اجتنابی[11] و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (رست[12] و همکاران، ۲۰۲۴). سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درون‌کاری معینی از دلبستگی اشاره دارد که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد را به جدایی از نگاره های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها تعیین می‌کند. این مدل درون‌کاری یک پایگاه امنی را برای فرد فراهم ساخته که وی را قادر می‌سازد احساسات خود را به روشی نسبتاً مستقل و کاربردی تنظیم کند (فوچشوبر[13] و همکاران، ۲۰۱۹). دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی دو سبک دلبستگی که در پژوهش حاضر با عنوان متغیر احساس ناایمنی[14] مد نظر قرار گرفته است؛ با افزایش استرس همراه است که می‌تواند تأثیر منفی بر رفتار والدین داشته باشد (مو[15] و همکاران، ۲۰۱۸). مادران دارای احساس ناایمنی (دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی) در تنظیم حالات هیجانی خود برای پاسخگویی بهینه به نیازهای کودک با مشکلاتی مواجه می‌شوند، که می‌تواند موجب شود از نظر احساسی در دسترس نباشند و از شیوه‌های سختگیرانه برای تربیت استفاده کنند (وو[16]، ۲۰۲۴). همچنین این مادران دارای رفتارهای فرزندپروری با کیفیت پایین‌تری هستند (زورا[17] و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش‌ها (مؤمنی و همکاران،۲۰۲۴؛ حاجی‌یاری و زارع بهرام‌آبادی، ۲۰۲۲؛ کاشیاپ و سکهار[18]، ۲۰۲۳؛ یزدان مهر و همکاران، ۲۰۲۳) حاکی از آن است بین احساس ناایمنی (دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی) با اضطراب جدایی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

بطورکلی با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان به ضرورت شناسایی مدل‌هایی به منظور درک مکانیسم‌ها، ساز و کارها و زمینه‌های دخیل در بروز و تداوم اختلالات اضطرابی از جمله اضطراب جدایی پی برد؛ چراکه با شناختن پیش‌بینی کننده‌های آن احتمال شناسایی کودکان در معرض خطر و همچنین آگاهی از راهبردهای پیشگیرانه برای اضطراب جدایی افزایش می‌یابد. اگرچه فرایندها و سازوکارهای میانجی فاکتورهای مهمی در درک رابطه پیچیده بین پیش‌بینی کننده‌ها و اضطراب جدایی هستند، اما در تحقیقات قبلی کمتر به آنها توجه شده است. همچنین بررسی ادبیات پژوهشی پیشین نشان می‌دهد که ویژگی‌های والدین در تربیت فرزندان می‌تواند به صورت زنجیره‌ای از نسلی به نسل دیگر منقل شود. از سویی در سال‌های اخیر حجم پژوهش در سطح ملی و بین المللی در حوزه اختلالات اضطرابی کودکان انجام شده است، لیکن کاستی‌های پژوهشی در مورد اختلال اضطراب جدایی وجود دارد. بر این اساس و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر به برنامه‌های ارتقا سلامت و پیشگیری از آسیب در مدارس توجه زیادی شده است (والنسیا-آگودوا[19] و همکاران، ۲۰۱۸)؛ پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان براساس سبک‌های فرزندپروری با میانجیگری احساس ناایمنی مادران انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کودکان ۸-۶ ساله مراکز پیش‌دبستانی و دبستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود؛ نمونه آماری ۲۴۲ نفر از کودکان بودند که با روش نمونه گیری خوشه‌ای مرحله‌ای وارد مطالعه شدند و مادران آنها به پرسشنامه‌های مورد نظر پاسخ گفتند. حجم نمونه در این مطالعه براساس نظر کلاین[20] (۲۰۱۱) بود که یک نمونه ۱۰۰ عددی کوچک،

1. Sanjeevan, & de Zoysa
2. Social anxiety
3. Generalised anxiety
4. Attachment
5. Karayağız
6. Bowlby
7. Ainsworth
8. Hazan, & Shaver
9. Secure
10. Ambivalent
11. Avoidant
12. Rost
13. Fuchshuber
14. feeling of insecurity
15. Moe
16. Wu
17. Zvara
18. Kashyap, & Sekhar
19. Valencia-Agudoa
20. Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

نمونه‌ای از ۱۰۰ تا ۲۰۰ عدد متوسط و نمونه بیش از ۲۰۰ عدد بزرگ در نظر گرفته می‌شود. جهت پیشگیری از اثر ریزش احتمالی و داده‌های مخدوش، حجم نمونه تا ۲۸۰ نفر در نظر گرفته شد؛ در نهایت پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص (۳۸ نفر)، مادران ۲۴۲ نفر از کودکان گروه نمونه پژوهش را تشکیل دادند. بدین صورت که به منظور انتخاب گروه نمونه ابتدا از بین مناطق شهر تهران، ۴ منطقه (۲، ۹، ۱۵ و ۲۰) به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس با مراجعه به آموزش و پرورش هر منطقه جهت کسب مجوز و دریافت لیست مراکز پیش‌دبستانی و دبستان‌ها، از هر منطقه ۴ مرکز پیش‌دبستانی و دبستان (دو مرکز و مدرسه پسرانه و دو مرکز و مدرسه دخترانه) که اعلام همکاری نمودند وارد مطالعه شدندو پرسشنامه‌ها به صورت برخط از طریق شبکه‌های اجتماعی واتساپ و تلگرام در دسترس مادران کودکان قرار گرفت. ملاکهای ورود به پژوهش عبارت بود از: تمایل به شرکت در پژوهش و رضایت آگاهانه، زندگی با هر دو والد، توانایی در اختیار گذاشتن اطلاعات و ملاک خروج شامل عدم پاسخ به ۵ درصد سؤال‌های پرسشنامه‌ها در نظر گرفته شد. به منظور رعایت اخلاق پژوهش دستورالعمل پاسخگویی به پرسشنامه‌ها و اهداف پژوهش ارائه شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات فقط در راستای اهداف پژوهش و بدون ذکر مشخصات هویتی استفاده خواهد شد. همچنین فرم رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش را تکمیل کردند. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و ارزیابی مدل پیشنهادی از روش معادلات ساختاری و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس سنجش اضطراب جدایی[1](SAS): این مقیاس توسط هان[2] و همکاران (۲۰۰۳) در دو فرم والد و کودک تهیه شده است. در این پژوهش فرم والدین مورد استفاده قرار گرفت؛که شامل ۳۴ آیتم است و چهار بعد اصلی ترس از تنها ماندن[3]، ترس از رها شدن[4]، ترس از بیماری جسمی[5] و نگرانی درباره حوادث خطرناک[6] را اندازه‌گیری می‌کند. افزون بر این مقیاس شامل دو زیرمقیاس پژوهشی فراوانی رویدادهای خطرناک[7] و شاخص نشانه‌های امنیت[8] است. پاسخ به آیتم‌ها به صورت ۴ گزینه‌ای طیف لیکرتی (هرگز=۱ تا همیشه =۴) تنظیم شده است؛ نمره بالاتر نشانه اضطراب جدایی بیشتر است. هان و همکاران (۲۰۰۳) روایی همگرا مقیاس را با اضطراب اسپنس ۰/۶۸، ضریب همسانی درونی آزمون را ۰/۹۱، بازآزمایی چهار هفته‌ای را ۰/۸۳ گزارش کردند (آیزن و شفر[9]، ۲۰۰۵). مفرد و همکاران (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۹۴، و زیرمقیاس ترس از تنها بودن ۰/۹۳، ترس از رها شدن ۰/۹۰، ترس از بیماری جسمی ۰/۸۲ و نگرانی درباره رویدادهای خطرناک ۰/۸۳ گزارش کردند. طلایی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) روایی همگرا کل مقیاس را با مقیاس اضطراب پیش دبستانی (اسپنس و همکاران، ۲۰۰۱) ۰/۶۹، آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای زیرمقیاس‌های ترس از تنها بودن ۰/۷۴، ترس از رها شدن ۰/۷۳، ترس از بیماری جسمی ۰/۶۸، و نگرانی درباره رویدادهای خطرناک ۰/۶۲ به دست آوردند. در این پژوهش ضریب پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری[10](PSQ): این پرسشنامه توسط بامریند[11](۱۹۷۳) تهیه شده است. شامل ۳۰ سؤال می‌باشد که شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه را می‌گیرد. بدین ترتیب دامنه نمره در هر کدام از شیوه‌های فرزندپروری بین صفر تا ۴۰ قرار دارد. دارلینگ و تویوکوا[12] (۱۹۹۷) روایی محتوایی فرزندپروری سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۸؛ پایایی را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۵ و ۰/۸۲ گزارش کردند. رابینسون[13] و همکاران (۱۹۹۵) در بررسی روایی همگرا پرسشنامه رابطه فرزندپروری مقتدرانه با رفتار مستقل ۰/۳۴، هدفمند ۰/۴۲ و مسئولیت اجتماعی ۰/۴۵ مثبت، و رابطه الگوی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه را با رفتار دوستانه و مشارکتی منفی گزارش کردند. آن‌ها همچنین آلفای کرونباخ را برای فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۸، مستبدانه ۰/۷۹ و سهل‌گیرانه ۰/۷۷ گزارش نمودند. بوری[14] (۱۹۹۱) پایایی پرسشنامه را با روش بازآزمایی چهارهفته‌ای در بین گروه مادران برای فرزندپروری سهل‌گیر ۰/۸۱، مستبدانه ۰/۸۶ و مقتدرانه ۰/۷۸؛ در بین گروه پدران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ گزارش کردند (به نقل از ارجمندنیا و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش حسینی دولت آبادی و همکاران (۱۳۹۲) روایی ملاکی فرزندپروری مقتدرانه با نگرش مثبت به بزهکاری (۰/۲۰-)، فرزندپروری مستبدانه (۰/۱۹) و سهل‌گیرانه (۰/۲۰) گزارش شده است. همچنین آلفای کرونباخ برای فرزندپروری مقتدر، مستبد

1. Separation Anxiety Scale (SAS)
2. Hahn
3. fear of being alone
4. fear of abandonment
5. fear of physical illness
6. worry about calamitous events
7. frequency of calamitous events
8. Safety Signals Index
9. Eisen, & Schaefer
10. Parenting Styles Questionnaire (PSQ)
11. Baumrind
12. Darling, & Toyokawa
13. Robinson
14. Buri

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

و سهل‌گیر به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲ و ۰/۷۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ در فرزندپروری مقتدر ۰/۷۱، مستبد ۰/۷۵ و مستبد ۰/۷۳ به دست آمد.

مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان[1]**(RAAS)**: این مقیاس توسط کولینز و رید[2] (۱۹۹۰) تهیه شده است. شامل ۱۸ گویه و ۳ زیرمقیاس وابستگی (D)، نزدیک بودن (C) و اضطراب (A) است. زیرمقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساس توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین، نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیرمقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً برعکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (۱۹۹۰) روایی محتوایی مقایس را ۰/۸۵ و قابلیت اعتماد مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن ۰/۸۱، دلبستگی اجتنابی ۰/۷۳ و دلبستگی اضطرابی ۰/۸۵ گزارش دادند. در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) پایایی آزمون با روش بازآزمایی یک‌ماهه ۰/۷۸و دلبستگی ایمن ۰/۸۲، دلبستگی اجتنابی ۰/۸۰ و دلبستگی اضطرابی ۰/۸۱ گزارش شده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا بررسی و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های A و C، A و D به ترتیب ۰/۳۱۳ و ۰/۳۳۶ و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های C و D ۰/۲۵۶ گزارش شده است (به نقل از سعیدا و همکاران، ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر دو سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا مورد ارزیابی قرار گرفتند، که ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ به دست آمد.

یافته ها

در این پژوهش ۲۴۲ مادر دارای فرزند ۵ تا ۸ ساله شرکت کردند. جنسیت فرزند ۱۲۸ نفر (۲۹/۹ درصد) از شرکت کنندگان دختر و ۱۱۴ نفر (۴۷/۱ درصد) پسر بود. میانگین و انحراف استاندارد سن فرزندان به ترتیب برابر با ۶/۴۴ و ۸/۹ سال بود. میانگین و انحراف استاندارد مادران شرکت کننده در پژوهش به ترتیب برابر با ۳۶/۶۳ و ۶/۴۷ سال بود و میزان تحصیلات ۵۱ نفر (۲۱/۱ درصد) زیر دیپلم، ۶۸ نفر (۲۸/۱ درصد) دیپلم، ۹ نفر (۳/۷ درصد) فوق دیپلم، ۶۹ نفر (۲۸/۵ درصد) لیسانس و ۴۵ نفر (۱۸/۶ درصد) فوق لیسانس یا بالاتر بود.

جدول۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

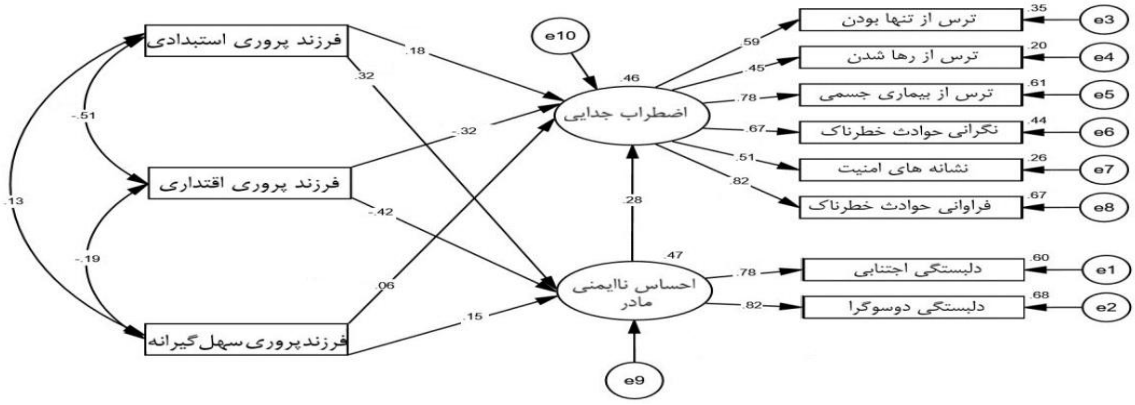
متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. ناایمنی اجتنابی	–										
۲. ناایمنی دوسوگرا	۰/۶۴*	–									
۳. فرزندپروری مستبدانه	۰/۴۳*	۰/۴۵*	–								
۴. فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۴۸*	-۰/۵۰*	-۰/۵۳*	–							
۵. فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۲۱*	۰/۲۳*	۰/۱۳*	-۰/۱۹*	–						
۶.اضطراب جدایی ترس از تنهایی	۰/۳۵*	۰/۳۷*	۰/۳۷*	-۰/۴۰*	۰/۱۲	–					
۷.اضطراب جدایی ترس از رهایی	۰/۱۱	۰/۱۶*	۰/۱۴*	-۰/۲۲*	۰/۰۳	۰/۱۸*	–				
۸.اضطراب جدایی ترس از بیماری	۰/۳۳*	۰/۳۸*	۰/۳۴*	-۰/۴۸*	۰/۱۹*	۰/۵۵*	۰/۳۲*	–			
۹.اضطراب جدایی نگرانی از وقوع حوادث	۰/۲۸*	۰/۳۶*	۰/۴۳*	-۰/۴۳*	۰/۱۵*	۰/۳۴*	۰/۲۹*	۰/۲۸*	–		
۱۰.اضطراب جدایی نشانه امنیت	۰/۳۰*	۰/۳۲*	۰/۲۹*	-۰/۳۷*	۰/۱۰	۰/۳۶*	۰/۲۱*	۰/۳۳*	۰/۶۶*	–	
۱۱.اضطراب جدایی فراوانی حوادث	۰/۳۷*	۰/۳۴*	۰/۴۱*	-۰/۴۴*	۰/۱۶*	۰/۴۳*	۰/۴۶*	۰/۶۴*	۰/۵۴*	۰/۴۱*	–
میانگین	۱۵/۹۰	۱۶/۶۳	۲۶/۲۱	۳۴/۷۸	۲۴/۱۹	۹/۹۵	۱۰/۲۷	۹/۹۸	۱۱/۰۰	۱۸/۴۷	۱۰/۹۰
انحراف استاندارد	۴/۱۴	۳/۷۲	۷/۶۰	۶/۲۱	۵/۹۴	۲/۶۸	۲/۵۱	۲/۳۸	۲/۲۷	۳/۷۹	۲/۶۸
چولگی	-۰/۴۸	-۰/۴۴	۰/۲۱	-۰/۱۶	۰/۷۱	۰/۴۱	۰/۵۲	۰/۳۹	۰/۳۷	۰/۲۴	۰/۳۷
کشیدگی	-۰/۴۰	-۰/۱۹	-۱/۴۴	-۱/۰۵	۰/۲۶	-۰/۵۴	۱/۳۶	-۰/۰۸	۰/۱۶	-۰/۰۸	۰/۰۱
ضریب تحمل	۰/۵۳	۰/۵۱	۰/۴۸	۰/۵۶	۰/۹۲	–	–	–	–	–	–
عامل تورم واریانس	۱/۸۷	۱/۹۷	۲/۰۷	۱/۸۰	۱/۰۹	–	–	–	–	–	–

1. Revised Adult Attachment Scale (RAAS)
2. Collins, & Reid

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

P<۰/۰۵* P<۰/۰۱**

جدول ۱ نشان می‌دهد که بین دلبستگی ناایمن با ترس از تنها بودن (۰/۳۵، P<۰/۰۱)، ترس از بیماری جسمی (۰/۳۳، P<۰/۰۱)، نگرانی از وقوع حوادث خطرناک (۰/۲۸، P<۰/۰۱)، نشانه‌های امنیت (۰/۳۰، P<۰/۰۱) و فراوانی حوادث خطرناک (۰/۳۷، P<۰/۰۱) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین دلبستگی دوسوگرا با ترس از تنها بودن (۰/۳۷، P<۰/۰۱)، ترس از رها شدن (۰/۱۶، P<۰/۰۵)، ترس از بیماری جسمی (۰/۳۸، P<۰/۰۱)، نگرانی از وقوع حوادث خطرناک (۰/۳۶، P<۰/۰۱)، نشانه‌های امنیت (۰/۳۳، P<۰/۰۱) و فراوانی حوادث خطرناک (۰/۳۴، P<۰/۰۱) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین سبک فرزند پروری استبدادی با ترس از تنها بودن (۰/۳۷، P<۰/۰۱)، ترس از رها شدن (۰/۱۴، P<۰/۰۵)، ترس از بیماری جسمی (۰/۳۴، P<۰/۰۱)، نگرانی از وقوع حوادث خطرناک (۰/۴۳، P<۰/۰۱)، نشانه‌های امنیت (۰/۲۹، P<۰/۰۱) و فراوانی حوادث خطرناک (۰/۴۱، P<۰/۰۱) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین سبک فرزندپروری اقتداری با ترس از تنها بودن (۰/۴۰- P<۰/۰۱)، ترس از رها شدن (۰/۲۳- P<۰/۰۱)، ترس از بیماری جسمی (۰/۴۸- P<۰/۰۱)، نگرانی از وقوع حوادث خطرناک(۰/۴۳- P<۰/۰۱)، نشانه‌های امنیت (۰/۳۷- P<۰/۰۱) و فراوانی حوادث خطرناک (۰/۴۴- P<۰/۰۱) رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ و بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با ترس از بیماری جسمی (۰/۱۹، P<۰/۰۱)، نگرانی از وقوع حوادث خطرناک (۰/۱۵، P<۰/۰۵) و فراوانی حوادث خطرناک (۰/۱۵، P<۰/۰۵) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین با توجه به این که شاخص چولگی و کشیدگی به دست آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ در محدوده ۲± قرار دارد، مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های برای متغیرها برقرار بود. افزون بر مقادیر گزارش شده در جدول ۱ مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر از ۰/۴۸ و همچنین مقادیر آماره VIF کمتر از ۱۰ بود. بنابراین هم خطی میان متغیرهای پژوهش مطلوب بود. در شکل ۱ مدل برازش شده پژوهش ارائه شده است.



شکل۱. پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش

شکل فوق نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای اضطراب جدایی کودک برابر با ۰/۴۶ به بدست آمده است، این موضوع بیانگر آن است که سبک‌های فرزندپروری و احساس ناایمنی مادر در مجموع ۴۶ درصد از واریانس اضطراب جدایی کودک را تبیین می‌کند. در جدول ۲ معناداری ضریب مسیرهای مستقیم مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر کل و مسقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	اندازه اثرغیراستاندارد	اندازه اثراستاندارد	حدپایین	حدبالا	مقدار	P
فرزندپروری سهل‌گیرانه ← احساس ناایمنی	۰/۰۸۴	۰/۱۵۴	۰/۲۳۱	۰/۱۱۴	۲/۹۰	۰/۰۰۵
فرندپروری مقتدرانه ← احساس ناایمنی	-۰/۲۱۸	-۰/۴۲۰	-۰/۳۵۹	-۰/۴۸۷	-۶/۸۱	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه ← احساس ناایمنی	۰/۱۳۵	۰/۳۱۹	۰/۲۶۹	۰/۳۵۱	۴/۶۶	۰/۰۰۱
احساس ناایمنی ← اضطراب جدایی	۰/۱۳۹	۰/۲۸۳	۰/۲۲۵	۰/۳۱۸	۲/۸۴	۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه ← اضطراب جدایی	۰/۰۱۵	۰/۰۵۶	۰/۰۱۹	۰/۰۷۳	۰/۹۴	۰/۳۳۲
فرندپروری مقتدرانه ← اضطراب جدایی	-۰/۰۸۲	-۰/۳۲۰	-۰/۲۶۱	-۰/۳۵۷	-۴/۱۰	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه ← اضطراب جدایی	۰/۰۳۷	۰/۱۷۷	۰/۱۱۹	۰/۲۰۳	۲/۴۶	۰/۰۱۶

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

جدول ۲ نشان می‌دهد که اثر مستقیم فرزندپروری سهل‌گیرانه (β=۰/۱۵۴ ،P=۰/۰۰۵)، فرزندپروری مقتدرانه (β=-۰/۴۲۰ ،P=۰/۰۰۱) و فرزندپروری مستبدانه (β=۰/۳۱۹ ،P=۰/۰۰۱) بر احساس ناایمنی معنادار است، همچنین اثر مستقیم فرزندپروری مقتدرانه (β=-۰/۳۲۰ ،P=۰/۰۰۱) و فرزندپروری مستبدانه (β=۰/۱۷۷ ،P=۰/۰۱۶) بر اضطراب جدایی معنادار بود. علاوه براین اثر مستقیم احساس ناایمنی (β=۰/۲۸۳ ،P=۰/۰۰۱) بر اضطراب جدایی معنادار بود. گفتنی است که اثر مستقیم فرزندپروری سهل‌گیرانه (β=۰/۰۵۶ ،P=۰/۳۳۲) بر اضطراب جدایی معنادار نبود.

برای تعیین اثرات غیر مستقیم از آزمون میانجی بوت استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیر کل و مسقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

	داده	بوت	سوگیری	خطا	حدبالا	حدپایین	P
فرزندپروری سهل‌گیرانه ← احساس ناایمنی ← اضطراب جدایی	۰/۰۱۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۴۴	۰/۰۲۷	۰/۰۰۶
فرندپروری مقتدرانه ← احساس ناایمنی ← اضطراب جدایی	-۰/۰۳۰	۰/۰۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	-۰/۱۱۹	-۰/۰۹۸	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه ← احساس ناایمنی ← اضطراب جدایی	۰/۰۱۹	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۹۰	۰/۰۷۳	۰/۰۰۱

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود حد پایین برای فاصله اطمینان برای احساس ناایمنی به عنوان متغیر میانجی بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و اضطراب جدایی کودک (۰/۰۲۷) و حد بالای آن (۰/۰۴۴) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵٪ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیر مستقیم بین متغیرها معنادار است (P=۰/۰۰۶). همچنین حد پایین (۰/۰۹۸-) فاصله اطمینان و حد بالای (۰/۱۱۹-) رابطه غیر مستقیم سبک فرزندپروری مقتدرانه و اضطراب جدایی از طریق احساس ناایمنی، صفر را در بر نمی‌گیرد که نشان دهنده معناداری این رابطه غیر مستقیم در کل نمونه است (P=۰/۰۰۱). در نهایت حد پایین (۰/۰۷۳) فاصله اطمینان و حد بالای (۰/۰۹۰) رابطه غیر مستقیم سبک فرزندپروری مستبدانه و اضطراب جدایی از طریق احساس ناایمنی، نشان دهنده معناداری این رابطه غیر مستقیم در کل نمونه است (P=۰/۰۰۱).

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری

شاخص	χ^2/Df	IFI	NFI	GFI	CFI	AGFI	RMSEA
ملاک برازش	≥۳	≤۰/۹۰	≤۰/۹۰	≤۰/۹۰	≤۰/۹۰	≤۰/۸۵	≥۰/۱۰
مدل اولیه	۱/۸۹	۰/۹۴۲	۰/۹۳۷	۰/۹۵۱	۰/۹۶۹	۰/۹۰۸	۰/۰۶۱

برای برازش مدل هرچقدر مقدار χ^2/Df کوچکتر از ۳ باشد برازندگی مدل بهتر است. مقدار χ^2/Df برای مدل پژوهش ۱/۸۹ بود که نشان دهده براز قابل قبول مدل با داده‌هاست. همچنین هرچقدر مقدار شاخص‌های IFI، NFI، GFI، CFI و AGFI به یک نزدیک‌تر باشد و برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد نشان دهنده برازش قابل قبول مدل با داده‌هاست. با توجه به این که مقادیر به دست آمده برای پنج شاخص ذکرشده بزرگتر از ۰/۹ است، بنابراین می‌توان گفت مدل پژوهش برازش مطلوبی با داده‌ها دارد. برای شاخص RMSEA نیز مقدار مساوی یا کوچکتر از ۰/۱۰ بیانگر برازش مطلوب مدل با داده‌هاست. شاخص مزبور برای مدل پژوهش برابر با ۰/۰۶۱ به دست آمده است که نشان می‌دهد مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان براساس سبک‌های فرزندپروری با میانجیگری احساس ناایمنی مادران انجام شد. نشانه‌های اضطراب جدایی کودک براساس سبک‌های فرزندپروری با میانجیگری احساس ناایمنی مادر قابل پیش‌بینی است؛ همچنین احساس ناایمنی مادر در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب جدایی کودک نقش میانجی دارد.

نتایج به تفکیک یافته‌های پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری مستبدانه بر نشانه‌های اضطراب جدایی دارای اثر مستقیم و مثبت، سبک فرزندپروری مقتدرانه بر نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان اثر مستقیم و منفی است. این یافته با نتایج پژوهش الحسینی (۲۰۲۴)، کادوگلو و همکاران (۲۰۲۴)، نوشک و همکاران (۱۴۰۲)، شایق و همکاران (۱۴۰۰)، سانجیوان و دی‌زویسا(۲۰۱۸) و جریسات (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین یافته به دست آمده می‌توان گفت: در تبیین شیوه‌های فرزندپروری

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

مادران کودکان دارای اضطراب جدایی، تحقیقات روی مؤلفه‌های رابطه، مراقبت و ساختار تکیه کرده‌اند. محققانی چون اریکسون[1]، پیاژه[2] و دیگران درباره‌ی شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته‌اند به نظر می‌رسد زمانی که سبک فرزندپروری والدین از لحاظ مؤلفه‌هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می‌شود که به عنوان منفی برچسب خورده است. زمانی که این مؤلفه‌ها افزایش می‌یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می‌یابد که این شرایط عموماً با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد (الحسینی، ۲۰۲۴). مسئولیت‌پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مؤلفه‌های رابطه و مراقبت به شمار می‌روند و کنترل و محدودیت، از عناصر ساختار. در فرزندپروری مقتدرانه هر سه مؤلفه به میزان مناسب مشاهده می‌شود. این والدین با درخواست‌های معقول برای کودک محدودیت ایجاد می‌کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند. در عین حال در رابطه‌ی خویش صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. همچنین از رفتارهای محبت‌آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن کودک بیشتر استفاده می‌کنند. این والدین خود را در قبال کودک مسئول می‌دانند. از آن جا که این والدین کودکان خود را تشویق کرده و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده را ترغیب می‌نمایند، کودکان آنها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند (اسلوبودین و همکاران، ۲۰۲۴). در مقابل کاهش مؤلفه‌های رابطه، مراقبت و ساختار در فرزندپروری مستبدانه بر کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار مؤثر است. والدین مستبد کمترین مهرورزی را به فرزندان خود نشان می‌دهند. این والدین تأیید و همدلی و همدردی پایین‌تری را نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند. در حقیقت آنها از شیوه‌های ایجاد ترس در کودکان خود استفاده می‌کنند، از طرف دیگر فرزند خانواده مستبد به دلیل فضای خشک و بی‌روح و تحکم آمیز خانواده تمایلی به ایجاد ارتباط با دیگران نداشته و سایر افراد را مستبد و زورگو می‌پندارد. در نتیجه از دیگران کناره گرفته و هر چه بیشتر به والد نزدیک و وابسته می‌شود (وو، ۲۰۲۴).

یافته دیگر پژوهش نشان داد احساس ناایمنی مادران بر اضطراب جدایی کودک اثر مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش مؤمنی و همکاران (۲۰۲۴)، حاجی‌یاری و زارع بهرام‌آبادی (۲۰۲۲)، کاشیاپ و سکهار (۲۰۲۳) و یزدان مهر و همکاران (۲۰۲۳) همسو بود. این یافته را می‌توان چنین تبیین نمود که همزمان با بارداری و تولد کودک، به دلیل فعال شدن الگوهای رابطه‌ای درونی شده از دوران کودکی در میان اعضای خانواده، بحران روانشناختی را در کل اعضا ایجاد می‌کند. در حالی که این پدیده برای اکثر مادران اتفاق می‌افتد، ولی برخی از آنها نسبت به آن آسیب‌پذیرترند، به ویژه برخی از مادران به دلیل غم و اندوه حل نشده در روابط دلبستگی دوران کودکی‌شان مثل ترک یا تهدید به ترک، طرد شدن، جدایی زودهنگام، فقدان اعضای خانواده و یا آسیب‌های وابسته به آن، با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند. دلبستگی ناایمنی که ایجاد می‌شود، الگوهای ارتباطی، خودمختاری و رشد مادر را محدود می‌کند. این مادران که می‌توانند چون کودکان غمگین و ناراحت باشند، با فعال شدن احساسات شدید انکار شده و ناکامی‌های مربوط به تجارب ناخوشایند خود از دوران کودکی، افسرده و پریشان می‌شوند. به تدریج این مسائل حل نشده در وجود مادر به کودک رخنه کرده و در نتیجه امنیت دلبستگی کودک و فرایندهای ارتباطی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد (واگوس[3] و همکاران، ۲۰۲۴). احساس ناایمنی مادر باعث می‌شود که کودک الگوهای درونی منفی را نسبت به خود و دیگران پرورش دهد و باعث تقویت هیجانات منفی و تضعیف هیجانات مثبت و بهداشت روان وی می‌شود و زمینه را برای اختلالات روانی و شخصیتی (یزدان‌مهر و همکاران، ۲۰۲۳). از جمله اضطراب جدائی کودک را فراهم می‌سازند.

علاوه براین، یافته‌های پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه با اضطراب جدایی کودک اثر غیرمستقیم دارد. به عبارت دیگر، احساس ناایمنی مادر در رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه با اضطراب جدایی کودک نقش میانجی دارد. پژوهشی همسو و ناهمسو با نتیجه به دست آمده انجام نشده است. در تبیین یافته به دست آمده می‌توان گفت: والدین به عنوان اولین افرادی که با کودک در تعامل‌اند نقش به سزایی در شکل‌گیری شخصیت، روابط بین فردی و نحوه درست بروز هیجانات فرد ایفا می‌کنند. اگر در دوران کودکی و نوجوانی جو تربیتی مطلوبی شکل نگیرد، عواقب آن را باید در سال‌های آینده مشاهد کرد. بنابراین می‌توان اذعان داشت سبک‌های فرزندپروری والدین از مهمترین عوامل در رشد اجتماعی و روانی فرزندان محسوب می‌شود (ماجد و جوشی، ۲۰۲۴). کادوگلو و همکاران (۲۰۲۴) اذعان می‌دارند کودکانی که محبت کافی و لازم را از والدین خود دریافت نمی‌کنند دارای دلبستگی ناایمن اضطرابی هستند که با ویژگی‌هایی همچون خود مهارگری و اعتماد به نفس پایین مشخص می‌شوند؛ از طرفی والدین سرد و طرد کننده موجب پرورش کودکانی بی‌مسئولیت، گوشه‌گیر و دارای اعتماد به نفس پایین هستند که همگی از مشخصه‌های بارز احساس ناایمنی می‌باشد که می‌تواند نسل به نسل انتقال یابد (کادوگلو و همکاران، ۲۰۲۴). مادرانی که احساس ناایمنی دارند، به خاطر احساس ناامنی و عدم اطمینان به دیگران، در مواقعی که در روابط بین فردی شکست می‌خورند، ترجیح می‌دهند که تنها باشند. چراکه نگرانند توسط دیگران طرد و رها شوند. آنها خود را لایق توجه و محبت دیگران نمی‌بینند و در روابط بین فردی احساس خشنودی نمی‌کنند، از صمیمیت و وابستگی می‌ترسند و نسبت به دیگران دید منفی دارند (مو و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بدین ترتیب با سبک فرزندپروری که در مورد کودک خود به کار می‌گیرند و احساس ناایمنی که دارند بر اضطراب جدائی کودک‌شان تأثیرگذارند.

در مجموع از یافته‌های این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های فرزندپروری نقش مؤثری بر اضطراب جدایی در کودکان دارد؛ همچنین سبک‌های فرزندپروری به واسطه ایجاد احساس ناایمنی مادران که از والدین خود در کودکی دریافت نموده‌اند می‌تواند بر میزان اضطراب جدائی کودک خود اثرگذار باشد؛ در واقع احساس ناایمنی مادر را می‌توان به عنوان یک مکانیسم زیربنایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب جدایی کودک در نظر گرفت.

1. Erikson
2. Piaget
3. Vagos

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه و نمونه پژوهش به یک شهر و چند منطقه و در دامنه سنی محدود اشاره کرد، بنابراین باید در تعمیم نتایج جوانب احتیاط را رعایت نمود. همچنین بدلیل استفاده صرف از ابزارهای خودگزارشی ممکن است پاسخ مادران تا حدی تحت تأثیر سوگیری قرار گرفته باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های دیگر سنجش همچون مصاحبه نیز استفاده شود. با توجه به پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان براساس سبک‌های فرزندپروری و احساس ناایمنی مادران به سازمان آموزش و پرورش و مدیران و مربیان مهدکودک‌ها، پیشنهاد می‌شود تمهیداتی بمنظور برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه اهمیت شیوه فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی بر اضطراب فرزندان و بطور کلی سلامت روان‌ها برگزار نمایند تا والدین از اهمیت شیوه‌های تربیتی خود و سبک‌های دلبستگی در آینده فرزندانشان آگاه شوند. به سازمان‌هایی چون صدا و سیما پیشنهاد می‌شود با همکاری سازمان نظام روانشناسی و مشاوره و سازمان بهزیستی برنامه‌هایی جهت آگاه‌سازی و ترویج شیوه‌های فرزندپروری صحیح از طریق آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد توجه قرار داده و با تشکیل گروه‌هایی از روانشناسان رشد و تربیتی و مشاوران آگاه در شبکه‌های مختلف در جهت چنین آموزش‌هایی برنامه‌ریزی نمایند.

منابع

ارجمندنیا، ع.ا.، صفایی، ا.، و ملکی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا. *روانشناسی خانواده*، ۴(۱)، ۶۴-۵۳. https://www.ijfpjournal.ir/article_245525.html

امان اله خانی قشقایی، س. جاوید، ح. بقولی، ح. و برزگر، م. (۱۳۹۹). مقایسه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، حساسیت اضطرابی و شیوه والدگری در مادران نوجوانان با نشانه‌های اضطرابی و مادران نوجوانان عادی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۴(۵۴)، ۱۴-۱. https://doi.org/10.30495/JPMM.2024.25155.3100

حسینی دولت‌آبادی، ف.، سعادت، س.، و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴(۲)، ۸۸-۶۷. https://jol.guilan.ac.ir/article_634_174.html

سعیدا، س.، بسطامی، م. موتابی، ف.، و صفرپور، ف. (۱۴۰۱). پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان براساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای شفقت به خود. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۵)، ۱۶۰-۱۴۷. http://frooyesh.ir/article-1-3608-fa.html

شایق، س. امیری، ش. مهرابی، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی اضطراب جدایی کودک براساس سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های موقعیتی در دانش‌آموزان دختر پایه‌های اول و دوم مدارس ابتدایی شهر اصفهان. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران)*، ۷(۱)، ۷۹۷-۷۸۹. https://irijournals.com/journals/psychology/

طلایی‌نژاد، ن. قنبری، س. مظاهری، م.ع. و عسگری، ع. (۱۳۹۵). ویژگی‌های مقدماتی مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین). *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲(۴۷)، ۲۳۵-۲۲۵. https://sanad.iau.ir/fa/Article/1055011

نوشک، م.، مطلبی نژاد، ع.، و امانی، ح. (۱۴۰۲). تأثیر شیوه فرزندپروری مستبدانه بر اضطراب جدایی با نقش میانجی سبک دلبستگی ناایمن در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. *پژوهش در آموزش ابتدایی*، ۵(۱۰)، ۵۴-۳۷. https://doi.org/10.48310/reek.2024.15754.1274

Alhussini, L. (2024). *The Relationship between Parenting Styles and Children Anxiety Disorders Among Children aged six to twelve years in The Western Region of Saudi Arabia*. Senior Project, Psychology Department, Effat University. https://repository.effatuniversity.edu.sa/handle/20.500.14131/1422

Chinawa, F., Omeje, O., Anike, R., Chukwudi, E., Douglas, J., & Onyinyechi, N. (2024). Parental monitoring and parenting styles as predictors of deviant behaviour among undergraduate students. *GPH-International Journal of Educational Research*, 7(01), 01-12. https://doi.org/10.5281/zenodo.10539215

Darling, N., & Toyokawa, T. (1997). *Construction and validation of the parenting style inventory II (PSI-II)*. Pennsylvania: The Pennsylvania State University. https://www2.oberlin.edu/faculty/ndarling/lab/parentingstyle.pdf

Diamond, D., & Keefe, J. R. (2024). Separation Anxiety: The Core of Attachment and Separation-Individuation. *The Psychoanalytic Study of the Child*, 77(1), 251-274. https://doi.org/10.1080/00797308.2023.2284588

Eisen, A. R., & Schaefer, C. E. (2005). *Separation anxiety in children and adolescents*. NewYork: Guilford Press.

Eun, J.D., Paksarian, D., He, J.P., & Merikangas, K.R. (2018). Parenting style and mental disorders in a nationally representative sample of US adolescents. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*, 53, 11–20. https://doi.org/10.1007/s00127-017-1435-4

Feriante, J., Torrico, T. J., & Bernstein, B. (2023). *Separation anxiety disorder*. *In StatPearls [Internet]*. StatPearls Publishing. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/32809628/

Fuchshuber, J., Hiebler-Ragger, M., Kresse, A., Kapfhammer, H. P., & Unterrainer, H. F. (2019). The influence of attachment styles and personality organization on emotional functioning after childhood trauma. *Frontiers in Psychiatry*, 10, 643. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2019.00643

Galán-Luque, T., Serrano-Ortiz, M., & Orgilés, M. (2023). Effectiveness of psychological interventions for child and adolescent specific anxiety disorders: A systematic review of systematic reviews and meta-analyses. *Revista de Psicología Clínica con Niños y Adolescentes*, 10(1), 31-41. https://dialnet.unirioja.es/servlet/articulo?codigo=8725701

Garon-Carrier, G., Ansari, A., Margolis, R., & Fitzpatrick, C. (2023). Maternal Labor Force Participation During the Child's First Year and Later Separation Anxiety Symptoms. *Health Education & Behavior*, 50(6), 792-801. https://doi.org/10.1177/10901981231188137

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

Hajiyari, F., & Bahramabadi, M. Z. (2022). evaluating the relationship between maternal attachment styles and children's separation anxiety level: The mediating role of mothers' maternal early maladaptive schemas. *International Journal of Health Studies*, 8(3), 18-23. https://doi.org/10.22100/ijhs.v8i3.792

Jones, J. D., Brett, B. E., Ehrlich, K. B., Lejuez, C. W., & Cassidy, J. (2014). 'Maternal Attachment Style and Responses to Adolescents' Negative Emotions: The Mediating Role of Maternal Emotion Regulation'. *In Parenting*, 14(3-4), 235–257. https://doi.org/10.1080/15295192.2014.972760

Jones, J. D., Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2015).'Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions'. *Personality andSocial Psychology Review*, 19(1), 44–76. https://doi.org/10.1177/1088868314541858

Jreisat, S. (2023). Separation Anxiety among Kindergarten Children and its Association with Parental Socialization. *Health Psychology Research*, 11, 75363. https://doi.org/10.52965/001c.75363

Kadoglou, M., Tziaka, E., Samakouri, M., & Serdari, A. (2024). Preschoolers and anxiety: The effect of parental characteristics. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing,* 37(1), e12445. https://doi.org/10.1111/jcap.12445

Kashyap, S., & Sekhar, P.M. (2023). Adult Separation Anxiety, Personality and Attachment Styles-An Exploratory Study among Young Adults. *International Journal of Indian Psychology*, 11(3). https://doi.org/10.25215/1103.293

Karayağız, Ş., Aktan, T., & Karayağız, L. Z. (2020). Parental attachment patterns in mothers of children with anxiety disorder. *Children*, 7(5), 46. https://doi.org/10.3390/children7050046

Kline, R.B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York : Guilford publications.

Majeed, Z., & Joshi, G. (2024). To examine the role of Parenting Styles in development and maintenance of Anxiety and its influence on Coping Styles. *International Journal of Interdisciplinary Approaches in Psychology*, 2(5), 2231-2249. https://psychopediajournals.com/index.php/ijiap/article/view/437

Moe, V., von Soest, T., Fredriksen, E., Olafsen, K.S., & Smith, L. (2018). The Multiple Determinants of Maternal Parenting Stress 12 Months After Birth: The Contribution of Antenatal Attachment Style, Adverse Childhood Experiences, and Infant Temperament. *Front Psychol*, 9, 1987. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01987

Mofrad, S., Abdullah, R., & Uba, I. (2010). Attachment patterns and separation anxiety symptom. *Asian Social Science*, *6(11)*, 148-153. https://pdfs.semanticscholar.org/ee24/5c16af67be073609c6411c302f39a7796ecd.pdf

Momeni, K., Moinoddini, Z., & Moradi, A. (2024). The Relationship between Attachment Style and Separation Anxiety Disorder in Badly-Cared and Orphan Adolescent Girls: The Mediating Role of Stress Coping Strategy and Internalized Symptoms. *International Journal of Behavioral Sciences*, 18(1), 1-8. https://doi.org/10.30491/ijbs.2024.409185.2001

Pincus, D. B. (2003). *Measuring the dimentions of separation anxiety and early panic in children and adolescents: The Separation Anxiety Assessment Scale.* Paper presented at the 37th annual convention of the Association for Advancement of Behavior Therapy, Boston. lescents. New York: Guilford Press.

Robinson, C. C., Mandleco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (1995). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological reports*, 77(3), 819-830. https://doi.org/10.2466/pr0.1995.77.3.819

Rost, K., Ziegenhain, U., Fegert, J. M., Buchheim, A., & Köhler-Dauner, F. (2024). Maternal insecure attachment representation as a long-term risk factor for disrupted mother–child-interaction and child mental health. *BMC psychology*, 12(1), 385. https://doi.org/10.1186/s40359-024-01874-8

Sanjeevan, D., & de Zoysa, P. (2018). The association of parenting style on depression, anxiety and stress among Tamil speaking adolescents in the Colombo city. *Sri Lanka journal of child health*, 47(4), 342-347. https://doi.org/10.4038/sljch.v47i4.8597

Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Minqin, C., Xuefen, L., & Mustafa, Z. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: the role of parenting style. *Scientific Reports*, 14(1), 5571. https://doi.org/10.1038/s41598-024-55530-7

Slobodin, O., Shorer, M., Friedman Zeltzer, G., & Fennig, S. (2024). Interactions between parenting styles, child anxiety, and oppositionality in selective mutism. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 1-11. https://doi.org/10.1007/s00787-024-02484-w

Vagos, P., Mateus, V., Silva, J., Araújo, V., Xavier, A., & Palmeira, L. (2024). Mother–infant bonding in the first nine months postpartum: the role of mother's attachment style and psychological flexibility. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 1-15. https://doi.org/10.1080/02646838.2023.2242379

Valencia-Agudoa, F., Burcher, G.C., Ezpeleta, L., Kramer, T. (2018). Nonsuicidal self-injury in community adolescents: A systematic review of prospective predictors, mediators and moderators. *Journal of Adolescence*, 65(1), 25-38. https://doi.org/10.1016/J.adolescence.2018.02.012

Vigdal, J., & Brønnick, K. (2022). A systematic review of "helicopter parenting" and its relationship with anxiety and depression. *Frontiers in psychology*, 13, 872981.https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.872981

Weeks, G. A., Sakmar, E., Clark, T. A., Rose, A. M., Silverman, W. K., & Lebowitz, E. R. (2023). Family Accommodation and Separation Anxiety: The Moderating Role of Child Attachment. *Research square*, rs-3. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01705-2

Wu, W. (2024). The Effects of Parent-child Attachment Style and Parenting Style on Children's Emotional Competence. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 26, 627-633. file:///C:/Users/nilfam/Downloads/IMPES2023-627-633-2.pdf

Yazdanimehr, R., Aflakseir, A., Sarafraz, M., & Taghavi, M. (2023). The structural model of mother-infant bonding in the first pregnancy based on the mother's attachment style and parenting style: the mediating role of mentalization and shame. *BMC psychology*, 11(1), 396. https://doi.org/10.1186/s40359-023-01436-4

Zvara, B.J., Lathren, C., & Mills-Koonce, R. (2020). Maternal and paternal attachment style and chaos as risk factors for parenting behavior. *Fam Relat*, 69(2), 233–46. https://doi.org/10.1111/fare.12423.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]